

نقش دادگاههای دادگستری در داوری بازرگانی بین‌المللی

با دیباچه دکتر گودرز افتخار جهرمی
استاد دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

مؤلف:

مصطفی انصاری نسب

وکیل پایه یک دادگستری

مدرس دانشگاه

سرشناسه

انصاری نسب، مصطفی، ۱۳۶۳.

عنوان و نام پنداور

نقش دانشگاه‌های دادگستری در دایره بازرگانی بین‌المللی / مولف مصطفی انصاری نسب

مشخصات نشر

تهران: اندیشگران جوان، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری

۱۹۲ ص.

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۹۳۵۸۹-۹-۴

وضعیت فهرست

فهرست

نویسی

کتابخانه: ص. ۱۸۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.

یادداشت

دایره بازرگانی و جزای بین‌المللی، دایره بین‌المللی، بازرگانی بین‌المللی، دانشگاه‌ها، دادگستری

موضوع

رده بندی کنگره

۳۷۰.۰۲ / ۲۰۰ / ۱۳۹۰.۷

رده بندی دیویی

۳۶۱ / ۵ / ۱۳۹۰

شماره کتابشناسی ملی

۱۳۹۰.۷۳۶



انتشارات اندیشگران

مرکز پخش ۱: تهران - خیابان انقلاب - خیابان منیر جابری (اردیبهشت) - پلاک ۷۱ - ساختمان

اردیبهشت - طبقه اول - اندیشه سبز نوین تلفن: ۶۶۹۷۳۲۷۷ - ۶۶۴۶۳۵۱۸ - فکس: ۶۶۹۷۳۲۷۸

مرکز پخش ۲: تهران - خیابان جلالزاده جنوبی - کوچه رشیدی - پلاک ۲۵ - ساختمان پاسارگاد -

واحد ۲۰ تلفن دفتر مرکزی ۹-۶۶۵۷۶۳۲۸

پست الکترونیک ناشر: Andishgaran_javan@yahoo.com

عنوان کتاب: نقش دانشگاه‌های دادگستری در دایره بازرگانی بین‌المللی

نویسنده: مصطفی انصاری نسب

ناشر: اندیشگران جوان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ: ظاهر قم

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۵۸۹-۹-۴

حق چاپ برای اندیشگران جوان محفوظ است

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

دیباچه دکتر گودرز افتخار جهرمی	۸
مقدمه	۱۴
بخش اول: نقش دادگاههای دادگستری در داوری بازرگانی بین المللی قبل از آغاز داوری	۲۱
فصل اول: رسیدگی به اعتبار موافقتنامه داوری بین المللی	۲۳
گفتار اول: شرایط اعتبار موافقتنامه داوری	۲۹
مبحث اول: شرایط شکلی اعتبار موافقتنامه داوری	۲۹
مبحث دوم: شرایط ماهوی اعتبار موافقتنامه داوری	۳۳
بند اول: فقدان یا معیوب بودن قصد و رضا	۳۳
بند دوم: اهلیت طرفین داوری	۳۶
بند سوم: قابلیت ارجاع دعوا به داوری	۳۹
گفتار دوم: اعتبار موافقتنامه داوری و قاعده صلاحیت نسبت به صلاحیت	۴۵
فصل دوم: رسیدگی به دعوی موضوع موافقتنامه داوری یا ارجاع آن به داوری	۵۶
فصل سوم: تعیین، عزل و جایگزینی و اعلام ختم ماموریت داور	۶۷
گفتار اول: تعیین داور	۶۸
گفتار دوم: عزل، جایگزینی و اعلام ختم ماموریت داور	۷۳
بخش دوم: نقش دادگاههای دادگستری در داوری بازرگانی بین المللی در حین جریان داوری	۷۶

فصل اول: تضمین اصول اجباری دادرسی و تحصیل دلیل	۷۸
گفتار اول: اصل رفتار مساوی با طرفین	۸۰
گفتار دوم: اصل ابلاغ به موقع	۸۳
گفتار سوم: اصل تناظر و حق دفاع	۸۷
گفتار چهارم: تحصیل دلیل	۹۳
فصل دوم: رسیدگی به ادعای جرح و سلب صلاحیت از داور	۹۵
گفتار اول: بررسی چند قانون ملی	۱۰۰
مبحث اول: بخش ۲۴ فصل ۲۳ قانون داورى ۱۹۹۶ انگلستان	۱۰۰
مبحث دوم: قانون حقوق بین المللی خصوصی سوئیس (ماده ۱۸۰)	۱۰۳
گفتار دوم: پذیرش جرح توسط دادگاه و اثر آن بر رای داورى	۱۰۵
فصل سوم: صدور و اجرای قرارهای تأمین و موقت	۱۱۰
گفتار اول: صدور قرارهای تأمین و موقت	۱۱۱
گفتار دوم: اجرای قرارهای تأمین و موقت	۱۲۲
بخش سوم: نقش دادگاههای دادگستری در داورى بازرگانی بین المللی پس از خاتمه داورى	۱۲۵
فصل اول: اعتراض به رای داورى بین المللی	۱۲۷
گفتار اول: اعتراض به رای داورى نزد دیوان صادر کننده رای داورى یا یک مرجع داورى دیگر	۱۲۸
گفتار دوم: اعتراض به رای داورى بین المللی نزد دادگاههای دادگستری	۱۳۱
مبحث اول: شرایط مربوط به تصمیم مورد اعتراض	۱۳۲
بند اول: رای بودن تصمیم مورد اعتراض	۱۳۲

الف - مفهوم رای داوری.....	۱۳۳
ب - انواع آراء داوری قابل اعتراض.....	۱۳۵
۱) رای داوری نهایی.....	۱۳۵
۲) رای داوری جزئی.....	۱۳۸
۳) رای داوری الزام آور.....	۱۴۰
۴) رای سازشی.....	۱۴۲
بند دوم: داوری بودن روند منتهی به تصمیم مورد اعتراض.....	۱۴۳
مبحث دوم: شرایط مربوط به طرفین دادرسی.....	۱۴۵
بند اول) شرایط مربوط به معترض.....	۱۴۵
الف) داشتن سمت.....	۱۴۵
ب) اقدام به موقع.....	۱۴۸
بند دوم) شرایط مربوط به معترض علیه.....	۱۴۸
مبحث سوم: مرجع صالح جهت رسیدگی به درخواست ابطال رای داوری.....	۱۵۰
فصل دوم: شناسایی و اجرای آراء داوری بین المللی.....	۱۶۷
گفتار اول: شناسایی آراء داوری بین المللی.....	۱۶۸
گفتار دوم: اجرای آراء داوری بین المللی.....	۱۷۳
گفتار سوم: تاثیر مرحله ابطال بر اجرای آراء داوری خارجی.....	۱۸۱
نتیجه گیری و پیشنهادات.....	۱۸۷
فهرست منابع.....	۱۹۴

دیباچه

درباره مفهوم داوری و تعریف آن، نظرات گوناگونی ابراز شده است. بعضی از این تعاریف ناظر به ویژگی‌های داوری است و بعضی دیگر معطوف به فواید آن است. اما به نظر می‌رسد بهترین تعریف داوری آن است که آن را از سایر شیوه‌های رسیدگی متمایز سازد. از این حیث، داوری عبارت است از شیوه خصوصی حل و فصل اختلافات. در این مفهوم، طبعاً داوری در کنار شیوه رسمی حل و فصل دعاوی قرار می‌گیرد و منظور از شیوه رسمی یا دولتی همانا رسیدگی قضایی در دادگاه است. اما با توجه به این تعریف از داوری می‌توان پرسید آیا خصوصی بودن شیوه داوری به این معنی است که داوری یک فرآیند مستقل است و انجام داوری هیچ نیازی به مداخله یا مساعدت دادگاه ندارد؟ به عبارت دیگر آیا فرآیند داوری خود-سامان و خود-گردان است؟ پاسخ به این سوال بخش مهمی از ادبیات حقوق و رویه داوری- به ویژه داوری بین‌المللی- را به خود اختصاص داده است.

اختلاف نظر بین صاحب‌نظران و نویسندگان در مورد این پرسش زیاد است به طوری که عده‌ای طرفدار استقلال کامل فرآیند داوری از هر گونه مداخله قضائی دادگاه می‌باشند و دسته دیگری عقیده دارند درست است که اساس داوری، تراضی طرفین دعوی است و درست است که قانون این تراضی را به رسمیت می‌شناسد، اما اجرای این

تراضی و تحقق هدف طرفین (حل و فصل دعوی از طریق داوری) بدون مساعدت و مداخله دادگاه امکان‌پذیر نیست. واقع مطلب این است که روند حقوق و داوری در طول سالهای گذشته به سمت تدارک و اثبات استقلال هر چه بیشتر داوری از مداخله دادگاه‌ها بوده است. اما حتی طرفداران استقلال فرآیند داوری هم می‌پذیرند که اجرای صحیح دوری و تحقق نیت طرفین داوری، در بعضی موارد محتاج مداخله و کمک دادگاه است. نظر درست نیز همین است. نه افراط طرفداران استقلال کامل داوری قابل دفاع است و نه تفریب هواخواهان وابستگی جریان داوری به تسجیل قضائی که عقیده دارند داوری وقتی مشروع و قانونی است که در یک فرآیند قضایی به رسمیت شناخته شده باشد.

اقتضای داوری به عنوان شیوه خصوصی حل و فصل اختلافات آن است که فرآیند رسیدگی هر چه بیشتر در کنترل طرفین و داوران منتخب ایشان باشد و هر چه کمتر وابسته به عوامل بیرونی باشد اما از این واقعیت هم نمی‌توان چشم پوشید که قطع کامل رابطه بین جریان داوری و عوامل بیرونی و قضایی و محروم کردن داوری از حمایت قضایی، همیشه ممکن نیست و گاه به عقیم ماندن داوری منجر می‌شود. ذکر مثال در این زمینه دشوار نیست. استنکاف یکی از طرفین از انتخاب و معرفی داور خود، عدم توافق طرفین (یا داوران اختصاصی) در انتخاب سرداور، یا جرح یکی از داوران یا ضرورت

تعیین جانشین رسمی در صورت استعفا و فوت احد از داوران و امثال آنها. همه و همه مواردی است که بدون مداخله و کمک یک نهاد بیرون از داوری، قابل حل نیست. به عبارت دیگر، اینها، مواردی است که ممکن است در جریان داوری حادث شود و حل و فصل آن محتاج مداخله یک مرجع بیرونی مانند دادگاه (یا سازمان داوری در داوری‌های سازمانی) است. علاوه بر این، چه بسا قبل از شروع داوری هم بین طرفین اختلافاتی درباره نحوه شروع داوری یا حتی اعتبار یا بی اعتباری موافقتنامه داوری وجود داشته باشد که بی گمان نیازمند مداخله دادگاه است. در مرحله اجرای رای هم بدون تردید به مداخله و مساعدت دادگاه نیاز هست زیرا ساز و کار داوری با صدور رای پایان می‌پذیرد و اجرای راه بر عهده دستگاه قضایی است.

همین ملاحظات موجب شده که مساله مداخله دادگاه‌ها در جریان داوری به یکی از مباحث پیچیده و مهم تبدیل شود. پرسش اصلی، در این زمینه دو تا است: یکی اینکه مداخله دادگاه در چه مواردی لازم است، و دوم اینکه تا چه حد ضروری است؟ امروزه نظریه جاری و مقبول بین اساتید و صاحب نظران آن است که اصل بر استقلال و خودبسنده بودن جریان داوری است و مداخله دادگاه استثنا بر این اصل به شمار می‌رود و محدود به مواردی است که رسیدگی داوری با بن بست مواجه شده باشد (از قبیل مثال‌هایی که ذکر کردیم). به علاوه، قلمرو مداخله دادگاه باید در جهت تسهیل داوری باشد.

در حقوق ایران، باید داوری داخلی و بین‌المللی تفکیک نمود. مقررات باب هفتم قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۹ - همانند سلف آیین قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۱۸ - عمدتاً ناظر به داوری‌هایی است که دادگاه موضوع را به داوری ارجاع کرده باشد و جریان داوری عملاً زیر نظر دادگاه انجام می‌شود. به همین لحاظ هر گاه در جریان داوری مشکلی یا بن‌بستی رخ دهد، دادگاه ارجاع‌کننده امر به داوری، مداخله می‌کند و موضوع را حل می‌نماید (مانند ماده ۳۶۱). در این قانون هیچ مرجعی غیر از دادگاه، حق دخالت در جریان داوری را ندارد. اما در داوری‌های بین‌المللی، خوشبختانه با تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ نه تنها راه برای مساعدت و دخالت دادگاه در جریان داوری باز شده (بند ۱ ماده ۶ قانون مذکور) بلکه قانون مذکور با به رسمیت شناختن داوری سازمانی، بعضی وظایفی که بر عهده دادگاه است، به سازمان یا موسسه داوری ذیربط محول نموده است (بند ۲ ماده ۶ قانون مذکور). با مرور قانین یاد شده به خوبی می‌توان دریافت که قانونگذار ایران از نظریه معتدل درباره موارد و قلمرو مداخله دادگاه در امر داوری پیروی کرده است.

موضوع کتاب حاضر، نقش دادگاه‌ها در داوری تجاری بین‌المللی است. چنانچه اشاره شد، این موضوع از جمله مباحث پیچیده در حقوق و رویه داوری بین‌المللی است که جناب آقای مصطفی انصاری‌نسب به خوبی از عهده طرح بحث و ارائه نظرات گوناگون برآمده و با

بررسی و مطالعه در قوانین و مقررات ایران و سایر کشورها و ذکر رویه‌های داوری بین‌المللی به جنبه‌های تطبیقی موضوع نیز پرداخته است. با توجه به تازه بودن موضوع و بحث در جنبه‌های مختلف نقش محاکم دادگستری در جریان داوری، مباحث کتاب حاضر برای اساتید و وکلای دادگستری و دانشجویان قابل استفاده است و زمینه را برای مطالعات بیشتر و عمیق‌تر فراهم می‌کند.

برای نویسنده آرزوی موفقیت داریم و امیدوارم شاهد تالیفات و نگارش آثار حقوقی بیشتر از جانب ایشان باشیم.

دکتر محمودزاده افتخار جهرمی

اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ خورشیدی

مقدمه

حل و فصل دعاوی و اختلافات در نظام داخلی کشورها از طریق مراجعه مستقیم خواهان یا شاکی به دادگاه که مرجع نظم عمومی است و یا مراجع خاص در کشور صورت می پذیرد. این مراجعه مستقیم نه مستلزم توافق قبلی با طرف دعوی است و نه محدودیتی از لحاظ رجوع به دادگاه دارد و نه طرفین اختیاری در تعیین قاضی دارند. قوانین حاکم در امور شکلی قوانین مربوط به آئین دادرسی دادگاههای داخلی و در امور ماهوی نیز قوانین مربوط به ماهیت که در خصوص موضوع مورد اختلاف حاکم هستند بکار گرفته می شوند. هر کشور در قلمرو حاکمیت خود به استناد قدرت و حاکمیت خود قوانین داخلی خود را اعمال و اجرا می کند و به هر دعوایی صرفنظر از آنکه میان اتباع آن کشور و یا میان اتباع خارجه و یا میان اتباع داخله و خارجه باشد رسیدگی می کند زیرا حل و فصل اختلافات در قلمرو ملی از آثار و وظایف حاکمیت است. نظام کاپیتولاسیون که در قرون گذشته در برخی از کشورها به نفع اتباع کشورهای دیگر رواج داشت و آنها را از حکومت قانون ملی مستثنی می دانست استثناء بزرگی بر حاکمیت ملی بود که امروزه از میان رفته است.^۱ با گذشت زمان و

۱. انصاری معین، دکتر پرویز، حقوق تجارت بین الملل، نشر میزان، تهران، چاپ اول،

حاکمیت ایده های نو و ضرورت وجود استثناء منطقی بر حاکمیت ملی و نیز نیازهای کشورهای و از جمله نیاز دولتها برای رسیدن به منافع از طریق تجارت در عرصه جهانی و بین المللی و همچنین امکان تجارت بین الملل توسط اشخاص متبوع کشورها و حاکمیت ها، کشورهای جهان پذیرفته اند که طرفین یک قرارداد بتوانند در انتخاب یک مرجع خارجی برای حل و فصل اختلافات ناشی از این روابط تجاری آزاد باشند «البته با شرایطی» و یا آنکه آنها بتوانند مرجع حل اختلافات خود را با توافق انتخاب کنند.

حالت اخیر همان است که به نام داوری یا حکمیت خوانده می شود. در واقع امروزه می توان بر این عقیده بود که اهمیت داوری تجاری بین المللی در تجارت بین الملل دو جانبه است. از این رو داوری نه تنها مهمترین روش حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی است بلکه رویه های قضایی مرتبط با این داوری ها، به عنوان منابع قاعده ساز حقوق تجارت بین الملل رخ نموده است و اهمیت آن از این منظر، اگر از نفس حل و فصل اختلافات بیشتر باشد کمتر نیست.

اما در دنیای بازرگانی بین المللی یک اصل مهم وجود دارد که با تفاوت و تغییراتی در تمام کشورها و سیستم های مهم حقوقی و قواعد و مقررات بین المللی پذیرفته شده است. آن اینکه اصل بر عدم مداخله دادگاههای دولتی در اختلافی است که طرفین اراده داشته اند از طریق داوری حل و فصل شود مگر اینکه خود متین جواز مداخله دادگاه را

در برخی موارد و شرایط داده باشد که این امر نیز برای حفظ شأن و منزلت داوری و احترام به اراده آزاد طرفین می‌باشد.

مقنن ایرانی نیز به تبعیت از قانون نمونه آنیسترال در ماده ۸ قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ این اصل را مورد پذیرش قرار داده است: «دادگاهی که دعوی موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان جلسه دادگاه دعوی طرفین را به داوری احاله نماید...»

نباید تصور کرد عدم مداخله و کاهش نقش دادگاه در داوری تجاری بین المللی به معنای مطلق عدم مداخله و ایفای نقش دادگاه در این عرصه و نهاد می‌باشد. می‌توان داوری تجاری بین المللی را به نحوی با همیاری و استفاده از دادگاه ملی به پیش برد که نه تنها ضرری به جایگاه داوری و طرفین دعوا وارد نشود که اولاً شأن و پیشرفت داوری ثانیاً رضایت اصحاب دعوا که رجوع به محاکم دادگستری را کنار زده اند و به اراده خویش قاضی (داور) و محکم خویش و قوانین حاکم بر آن را برگزیده ان که اختلافشان تا اندازه بسیار زیادی آن گونه که مطلوبشان باشد و آزادی اراده شان حفظ و امنیت خاطرشان حاصل شود، حفظ می‌شود.

آنچه مهم و شایان ذکر است این است که رأی داوری اگر از پستوانه محکمی برای اجراء برخوردار نباشد و شرایط اجرای آن از

ابتدا معین نباشد اساساً تشکیل داورى و رسیدگی داور یا هیأت داوران و در نهایت صدور رأی داورى بی وجه و بی ثمر می باشد. طرفین وقتى به داورى مراجعه می کنند مى خواهند دعواى فیما بین حل و فصل شود و اگر یکی از طرفین از اجرای رأی داورى خوددارى کند امکان الزام روى و رسیدن به نتیجه که در ابتدا مقصود بوده حاصل شود.

درس است که باید اصل پذیرفته شده عدم مداخله محاکم ملی در امر ارجاع شده به داورى کاملاً رعایت شود. تا استقلال داورى حفظ و هدف از تأسیس آن بی ثمر نباشد، اما اگر رأی داور فاقد ضمانت اجرای اساسی باشد مطمئناً رجوع به داورى بسیار کمرنگ خواهد شد و نهادى شبیه سازش و غره خواهد شد که این امر اولاً با غرض تأسیس داورى، ثانیاً با استقلال و جایگاه و منزلت داورى مغایر می باشد.

ممکن است این نظریه که داورى باید خود رأساً دارای دستگاه و قدرت اجرایی باشد تا رأی صادره را اجرا نماید به ذهن خطور کند اما آنچه منطقی و وجیه تر به ذهن می آید این است که اولاً این امر دارای مشکلات و موانع اساسی می باشد از جمله اینکه نیاز به یک مرکز جهانی دارد تا این امر را اداره و ساماندهی کند، ثانیاً نیاز توافق و پیوستن اغلب کشورهای جهان به یک کنوانسیون دارد و آن کشورها که محل اجرای آرای داورى می باشند مطابق مقررات داورى و رأی صادره اقدام به اجرای آن رأی نمایند که ممکن است با قوانین داخلی و

نظم عمومی آن کشور مغایر باشد، ثالثاً این اقدامات و نتیجه این عقیده سبب تشکیل یک نهاد دادگستری با تفاوتی می شود که داوری را موازی با دادگاه ملی قرار می دهد. در حالی که می دانیم در عرصه بازرگانی بین المللی اصحاب دعوا تمایل دارند حتی الامکان سیستم دادگاههای ملی نباشد و داوری حاکم باشد.

الهامه باید گفت اصل عدم مداخله محاکم دولتی در امر ارجاع شده به داوری که مقبولیت عام و جهانی دارد و در کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی (بند ۲ ماده ۲) و قانون نمونه آنیسترال (ماده ۵) و قانون داوری تجاری بین المللی ایران (ماده ۸) صراحتاً قید شده است بسیار مهم و قابل احترام است و رعایت آن سبب اعتلا و استقلال داوری می باشد اما مساعدت و نظارت دادگاههای دادگستری بر داوری بین المللی سبب کارایی بهتر و اعتلای بیشتر داوری بین المللی می شود.

فرضیه تحقق تعامل و رابطه میان داوری بین المللی و دادگاه ملی است با این وصف که دادگاههای دادگستری اصولاً حق مداخله و ورود به امور داوری بین المللی را ندارند. اما بطور استثنایی در قبل، حین و پس از داوری برای مساعدت یا نظارت بر امر داوری بین المللی میتوانند بر اساس قوانین ملی بین المللی و یا کنوانسیونهای بین المللی ایفای نقش نمایند. البته با رعایت استقلال داوری و احترام به اراده آزاد طرفین داوری در جهت اثبات این فرضیه نباید هر ایفای نقش از

سوی محاکم دادگستری را مغایر با استقلال داورى دانست بلکه در بسیاری موارد وجود دادگاههای دولتی سبب حفظ شان و ارتقای قدرت و توان دستگاه داورى بین المللی میشود. علت انتخاب موضوع کمک به ارتقای جایگاه نظام داورى بین المللی و حفظ شان و استقلال داورى بین المللی در تعامل با محاکم دولتی برای مساعدت و نظارت بر داورى بین المللی در موارد ضرورت مداخله و بکارگیری بموقع قوای محاکم دولتی در امور مربوط به داورى بین المللی جهت تاثیر گذاری و اجرایی شدن اقدامات داورى و نیز کمک به مشخص تر شدن نقش محاکم دولتی ایران (بعنوان شاهد مثال) در داورى بازرگانی بین المللی با عنایت به اینکه شاید به علت جوان و نوپا بودن قانون داورى تجاری بین المللی ایران دادگاههای ایران کمتر با نقش و نحوه مداخله خود در داورى بین المللی آشنا باشند. در خصوص تاریخچه این موضوع باید گفت به علت ارتباط این موضوع با تجارت بین الملل و نوپا بودن این گرایش در ایران کمتر مورد توجه بوده است و این تالیف با تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است تفاوتهایی دارد. از جمله اینکه هرچند در برخی موضوعات حسب لزوم نگاهی به قوانین داخلی ایران در زمینه داورى شده است اما در مجموع به داورى بین المللی پرداخته ایم و همچنین صرفاً مقایسه تطبیقی بین دو یا چند کشور صورت نگرفته است بلکه در برخی موارد مقارنه صورت گرفته است. قلمرو تحقیق همانگونه بیان شد مربوط به کشور یا نظام حقوقی

خاصی نمیباشد بلکه بطور کلی نقش دادگاههای دادگستری در داوری بازرگانی بین المللی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در حد وسع در صدد پاسخ به این سوالات میباشیم:

(۱) به طور کلی دادگاههای دادگستری در دنیا، در چه اموری قبل، حین و پس از داوری امکان مداخله در داوری بین المللی را دارند؟
(۲) محاکم دولتی در موارد مداخله منطقی در داوری بین المللی چگونه ایفای نقش می کنند؟

(۳) در میان پاسخ و بررسی سؤال فوق، نقش محاکم ایران به عنوان شاهد مثال در داوری داخلی و بین المللی براساس قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ چیست؟

آنچه پیشرو دارید با عنایت به زمان ایفای نقش و مداخله از سوی دادگاههای دادگستری در روند داوری بین المللی در سه بخش تقریر گردیده است.

بخش اول: نقش دادگاههای دادگستری در داوری بازرگانی بین المللی قبل از آغاز داوری.

بخش دوم: نقش دادگاههای دادگستری در داوری بازرگانی بین المللی در حین جریان داوری.

بخش سوم: نقش دادگاههای دادگستری در داوری بازرگانی بین المللی پس از خاتمه داوری.